



نقش تمدن سازانه در تاریخ جهان ایفا نماید، نشانه های این ظرفیت در انقلاب اسلامی، در دفاع مقدس و در برهه کنونی به خوبی آشکار شده است، به یقین به این باور رسیده ام که فرهنگ و مدیریت جهادی آن نسخه شفابخشی است که می تواند نه تنها ملت ایران که سایر ملل مسلمان را از شرایط کنونی به وضعیتی به غایت مناسب تر و تمدن سازانه تر ارتقاء بخشد. فرهنگ و مدیریت جهادی دستاورد عینی انقلاب اسلامی و گوهر درخشانی است که می تواند ملت ما را از گردنه های سخت به سلامت عبور دهد، همانگونه که از جنگ که تقریباً تمام دنیا در مقابل ما ایستادند عبور داده است، فرهنگ جهادی متناسب با اساس باورهای دینی ما ایرانیان است.

**برای من جالب بود که شما مدیریت جهادی را به حوزه های سیاسی هم مرتبط می دانید و در جایی، به صراحت تأکید کرده اید که «امروز به «وادادگی و انفعال» لقب «عقلانیت» داده شده و مذاکرات باید با «فرهنگ جهادی» صورت بگیرد و نه «فرهنگ لیبرالیستی».** مولفه های مدیریت جهادی در این حوزه چگونه تعریف می شود و چه چیزهایی مغایر با این رویکرد را در روند مذاکرات می بینید؟

من از یک مثال برای تبیین حرفم استفاده می کنم. یک تیم فوتبالی را تصور کنید؛ مثلاً همین تیم ملی خودمان. این تیم برای نتیجه گرفتن در یک تورنمنت و قهرمان شدن، کارهای زیادی باید انجام بدهد. بخش زیادی از این کارها پیش از برگزاری مسابقات و در قالب تمرین ها و انتخاب بازیکنان و برگزاری بازیهای تدارکاتی و... اتفاق می افتد. اصلاً شما باید یک لیگ خوب داشته باشید و بازیکنان خوبی پرورش داده باشید تا بتوانید یک تیم ملی قوی داشته باشید. حالا این همه کار و زیرساخت باید باشد تا تیم بتواند بازی زمین و خوب بازی کند و بازی را ببرد. همه حرف من این است که توجه ما به آن گلزنی که نوک حمله تیم قرار گرفته، و نقش مهمی هم دارد، نباید باعث شود که ما تصور کنیم نتیجه بازی فقط در دست یا نادرست بازی کردن اوست. خیلی فوتبالی شد انگار. (خنده)

من می گویم الان نقش آقایان طیب نیا، نعمت زاده، سیف ربیعی و... در مذاکرات هسته ای، کمتر از نقش آقای ظریف نیست. تیم مذاکره وقتی می تواند نتیجه خوبی به دست بیاورد که عقبه او، قدرت و صلابت حاصل از تلاش تیم اقتصادی و سیاسی داخلی باشد. آقای ظریف هر چقدر هم که توانمند باشد، کل پاریس را هم که با آقای کری قدم بزنند، از موضع ضعف نمی تواند گل دیپلماتیک بزنند. باید باور کنیم که زمین بازی مذاکره، ژئوپلیتیک نیست، پالایشگاه ها و شهرک های

صنعتی و نیروگاه ها و... ماست. مذاکرات مهم است اما گره زدن همه امور کشور به آن یک خطای استراتژیک است. ما الان مذاکرات را تبدیل کرده ایم به استادیوم آزادی؛ خیلی کثیری از استعدادها و توانایی های این سرزمین را که می توانند در برد تیم نقش داشته باشند به تماشاچی صرف تبدیل کرده ایم که یا کف و سوت بزنند و یا فحش بدهند و گریه کنند. بدتر از این، بسیاری از مدیران کشور هم به تماشاچیان جایگاه ویژه تبدیل شده اند! از طرف دیگر هم نباید این طور تصور بشود که هر نوع مذاکره و تعاملی با دنیا مذموم است. ما حرفمان حق است، از گفتن حق و ایستادن پای آن و تعامل با دنیا برای استیفای آن نباید هر اسید برخی گمان می کنند که پس زدن همه مناسبات پذیرفته شده و قواعد تعامل در سطح بین المللی، انقلابی گری است؛ این طور نیست. قبلاً هم این مطلب را عرض کرده ام که انقلابی گری به معنای تجربه ستیزی و قاعده ستیزی نیست. انقلابی گری به معنای انزو و طلبی و قطع ارتباط با عالم نیست. بر اساس قواعد مسلم حقوق بین الملل، ما حقوقی داریم که باید برای استیفای آن تلاش کنیم و این تلاش در شرایط فعلی نیازمند حضور پررنگ دیپلماتیک است. البته منظورم همه تلاش های دیپلماتیک است، نه تنها مذاکره با ۵+۱. تفکری که از حضور در مذاکره می ترسد، چطور می تواند کشور را اداره کند؟

نگاه ما باید اصالتاً به درون و توانایی های خودمان باشد. ما نه باید دل داده مذاکره باشیم و نه دل نگران آن. یعنی نه با استیصال و از سر ضعف به مذاکره برویم و این طور فرض کنیم که همه هستی و آینده ما در گرو نتیجه مذاکرات است و نه باید اینطور فرض کنیم که مذاکره یعنی از دست دادن استقلال و پذیرفتن سلطه بیگانه.

اگر بر اساس سنتهای الهی، دست روی زانوی خودمان گذاشتیم و با پذیرش همه سختی ها، مجاهدانه وارد میدان شدیم، بدانیم که بر اساس همان سنت های الهی، نتیجه ای جز پیروزی در انتظارمان نیست. مذاکره در این میان ابزار است، نه هدف.

**نقش مدیریت جهادی در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی چیست؟**

مدیریت جهادی، خود ذیل بینش جهادی معنا می شود. بینش جهادی، رویکردی است که در دل خود خارج از رویه ها و ساختارها و زمینه های معمول به دنبال راه حل می رود، این خود به نوعی ساختار شکنی سازنده است که در رویکرد فرهنگ جهادی قابل استخراج است. مدیریت جهادی می تواند موتور محرک اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی باشد. ما در بحث مدیریت جهادی با چهار ویژگی عمده سرو کار داریم که هر چهار ویژگی محل مناسبی برای اجرای اقتصاد مقاومتی است. ویژگی اول؛ فرهنگ سازی در مدیریت جهادی است. مدیریت جهادی در حوزه ای که دایر می شود ادبیات و فرهنگ خود را تولید می کند، اقتصاد مقاومتی هم نیاز به فرهنگ سازی و تولید ادبیات مختص خودش را دارد. ویژگی دوم؛ کادر سازی است. فرهنگ جهادی به تربیت کادر و نیرو برای عرصه های مختلف توجه جدی دارد، قطعاً هر کاری نیروی خاص خودش را می طلبد. ما در حوزه اقتصادی نیز به نیروهایی نیاز داریم که به این عرصه نگاه جدیدی داشته باشند، به فرموده مقام معظم رهبری؛ عرصه اقتصادی عرصه جنگ تمام عیار امروز نظام اسلامی و دنیای استکبار است. قطعاً این عرصه نیاز به مردان غیوری دارد که به آن به چشم مدیران مبارزه بنگرند نه عرصه کسب سود و رفاه و مال اندوزی.

ویژگی سوم مدیریت جهادی نهادسازی است، برای انجام هر کار پایداری نیاز به نهادسازی داریم، اقتصاد مقاومتی نیاز دارد در بطن جامعه نهادسازی منطبق بر نیازها و الزامات اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد. در تاریخ انقلاب هم ما شاهد نهادسازی برای کارآمدی انقلاب بوده ایم نهادهایی مثل جهاد سازندگی، کمیته امداد، سپاه، بسیج، نهادهایی است که مدیریت جهادی برای پایدارسازی عملکردی به وجود آورد. قطعاً در حوزه اقتصاد مقاومتی نیاز به نهادسازی داریم. ویژگی چهارم فرهنگ و مدیریت جهادی مردمی سازی است. در

انقلاب اسلامی مردمی نمودن انقلاب، مردمی نمودن امنیت، مردمی نمودن دفاع مقدس یکی از الزامات موفقیت های چشمگیر بوده است. اقتصاد مقاومتی نیاز دوچندانی به مردمی سازی دارد تا مردم به مبحث اقتصاد مقاومتی وارد نشوند، قطعاً به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

**نقش مدیریت شهری را با توجه به تجربه شما در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی چگونه ارزیابی می کنید؟**

قطعاً شهرها امروز قلب تپنده اقتصاد کشورها را تشکیل می دهند. بیش از ۴۰ درصد از تولید ناخالص ملی در تهران در جریان است. بیش از ۷۰ درصد از جمعیت کشور در شهرها ساکن هستند. بی شک اقتصاد شهری و به تبع آن مدیریت شهری نقش بسزایی در تحقق یا عدم تحقق هر برنامه ای در سطح ملی دارند، اقتصاد مقاومتی در همه اجزای شهر و مدیریت شهری قابل پیگیری است، از تولید تا مصرف از فرهنگ تا صنعت همه به نوعی با مدیریت شهری ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارند. از تبلیغ در تابلوهای شهری تا ساخت و ساز منطبق با الگوهای بهینه مصرف مصالح و انرژی، از الگوهای بهینه حمل و نقل که به طور مستقیم بر مصرف سوخت و آلودگی هوا تأثیر گذارند تا شیوه های مدیریت پسماند همه قابل الگوسازی و مصداق سازی در اقتصاد مقاومتی است. در همین اسفندماه ما کارخانه تولید برق از پسماند را در یکی از مراکز پسماند تهران افتتاح کردیم که ایده و الگوی اقتصاد مقاومتی منبای آن بود.

در اقتصاد مقاومتی تولید کالاها و خدمات مورد نیاز کشوریکی از ارکان اصلی است. مدیریت شهری در راستای ارائه خدمات و تولید خدمات نقش مؤثری دارد، کلان شهرها بازارهای بزرگ مالی، پولی و خدمات را در دل خود دارند که رونق و پایداری آن ها می تواند رونق و پویایی اقتصاد ملی را هم به ارمان بیاورد.

کارآفرینی و راه اندازی بازارهای جدید در اقتصاد شهری یکی از فرصتهایی است که الزاماً در حوزه عمل مدیریت شهری قابل انجام می باشد. یکی دیگر از مواردی که در این حوزه قابل ذکر است، اصلاح الگوی مصرف است. شهرداری ها با توجه به تنوع مأموریتی، که در حوزه زندگی شهروندان دارند، می توانند در این بخش تأثیرگذاری گسترده ای در بهبود الگوی مصرف از اوقات فراغت گرفته تا مصرف محصولات فرهنگی، مصرف مواد غذایی، مسکن و خودرو و... داشته باشد. البته پشتیبانی مجلس و دولت از مدیریت شهری در راستای تأمین زیرساختهای مورد نیاز، اعم از قوانین و مقررات، منابع مالی، اختیارات و... ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

قطعاً در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی بخشی از وظایف و مأموریتهای مورد نیاز می بایست به مدیریت شهری واگذار شود. راهکار اصلی در این زمینه اجرای قانون جامع مدیریت شهری است.

**و به عنوان سوال پایانی آیا باید منتظر حضور دوباره قالیباف یا تفکر او در عرصه سیاسی باشیم؟ شما بر نامه ای برای حضور در انتخابات مجلس یا ارائه لیست و حمایت از فهرستی دارید؟**

اول در باره انتخابات مجلس به صراحت بگویم که بنده به عنوان شهردار تهران ورودی به این انتخابات نخواهم داشت. اما در باره حضور در عرصه سیاسی عرض می کنم که امام و مرحوم مدرس به ما آموختند که سیاست و دیانت مان از هم جدا نیستند. این یعنی هر مسلمان، مادامی که زنده است، دارای عمل سیاسی است. از آنجا که همه شئون وجودی انسان مسلمان غیر سکولار، دینی است، پس بنا به گفته این بزرگواران همه افعال ما، سکوت و گفتار ما، حضور و غیاب ما، همه دارای بار و معنای سیاسی هم هستند. اما به من اجازه بدهید باز بان و ادبیات خودم درباره این موضوع حرف بزنم. من، زندگی مسلمان معتقد به آموزه های انقلاب اسلامی را جهادی پیوسته می بینم که در هر برهه، با اقتضائات خاص خودش روبروست. با این تعبیر، بنده تلاش کرده ام از پیش از انقلاب تا الان از فعالیت در عرصه جهاد شانه خالی نکنم.

معتقدم، جهاد همیشه ادامه دارد و ان شاء... تازنده ام، در این وادی تلاش خواهم کرد.

